فصلنامه توسعه اجتماعی (توسعه انسانی سابق)، دوره ۲۰، شماره ۴، تابستان ۱۴۰۵، صفحات ۳۸-۱

بررسی جامعه‌شناختی رابطه جامعه‌پذیری تحصیلی و ابعاد فردگرایی: کاربست نظریه فردگرایی تریاندیس در میان دانش‌آموزان دختر متوسطه دوم شهر شیراز

دکتر محمود شارع‌پور[۱]، زهره اکبرپور[۲]

تاریخ وصول: ۱۴۰۴/۱۱/۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۳/۱۷

چکیده:

رقابت فزاینده برای کسب موفقیت تحصیلی سبب تقویت ارزش‌های فردمحور شده و انسجام اجتماعی را در محیط‌های آموزشی با چالش مواجه می‌سازد. فردگرایی گرایش به برجسته کردن هویت و استقلال فردی و برتری‌جویی نسبت به دیگران است. این مطالعه با کاربست تجربی نظریه تریاندیس، به بررسی رابطه جامعه‌پذیری تحصیلی و فردگرایی و ابعاد آن پرداخته است. وجه نوآورانه این پژوهش سنجش فردگرایی در میان دختران مقطع متوسطه دوم شهر شیراز بوده است. جامعه آماری این تحقیق را کلیه دانش‌آموزان دختر مشغول به تحصیل دوره متوسطه دوم شهر شیراز در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۲ تشکیل داده‌اند که با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای، حجم نمونه ۳۷۹ نفر بر اساس فرمول کوکران به دست آمده و با استفاده از پرسشنامه محقق‌ساخته داده‌ها جمع‌آوری شد. برای محاسبه اعتبار و پایایی، از اعتبار صوری و تکنیک آلفای کرونباخ استفاده شد. نتایج یافته‌های توصیفی نشان داد که فردگرایی عمودی با ۶۲ درصد بیشترین فراوانی را در بین پاسخگویان داشته است، در حالی که فردگرایی افقی عمدتاً در سطح متوسط (۴۲ درصد) قرار داشت. نکته شایان توجه، تمایل قوی (۸۰ درصد) شرکت‌کنندگان به ادامه تحصیل تا مقاطع تحصیلات تکمیلی بود. نتایج استنباطی نشان داد که دانش‌آموزان رشته علوم تجربی در مقایسه با دانش‌آموزان رشته علوم انسانی، از فردگرایی عمودی بالاتری برخوردارند. همچنین فردگرایی افقی در دانش‌آموزان با تمایلات تحصیلی مقاطع بالا و دکترا بیشتر بود. تحلیل رگرسیونی چندگانه نشان داد دانش‌آموزانی که هنجارهای تحصیلی را درونی کرده‌اند، فردگرایی افقی بیشتری برخوردارند. این یافته‌ها با تئوری تریاندیس همسو بوده و نشان می‌دهد که جامعه‌پذیری تحصیلی نقش مهمی در شکل‌گیری الگوهای فردگرایانه در دانش‌آموزان ایفا می‌کند. یافته‌ها می‌توانند پیامدهای مهمی برای سیاست‌گذاری‌های آموزشی و طراحی برنامه‌های درسی داشته باشند.

مفاهیم کلیدی: *جامعه‌پذیری تحصیلی، فردگرایی افقی، فردگرایی عمودی، دانش‌آموزان دختر، شیراز*

---

[۱] استاد گروه علوم اجتماعی دانشگاه مازندران، مازندران، ایران m.sharepour@umz.ac.ir

[۲] کارشناس ارشد علوم اجتماعی دانشگاه مازندران، مازندران، ایران (نویسنده مسئول)
akbarpour9893@gmail.com

مقدمه و بیان مسأله

یکی از ویژگی‌های برجسته جوامع مدرن، گسترش و غلبه ارزش‌های فرهنگی فردگرایانه نسبت به ارزش‌های فرهنگی جمع‌گرایانه است (*Karimi & Janalizadeh, 2023: 129*) که به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های کلیدی مدرنیته، جایگاه فرد در جامعه را بازتعریف می‌کند. فردگرایی[1] در ادبیات جامعه‌شناسی اهمیت دادن به تمایلات شخصی، ترجیح دادن نگرش‌های فرد بر هنجارهای گروهی، خوداتکایی[2] و بازبینی در تمایلات و ارزش‌ها از اوصاف فردگرایی است که بنیان فکری و رفتاری در جهان مدرن را مجسم می‌کند (*Azamazad & Tavakoli, 2004: 102*). فردگرایی به این معنی است که افراد به دنبال موفقیت خود و تصویری مستقل و متکی به خود هستند. تأکید بر توانایی و شایستگی فردی این انتظارات را برآورده می‌کند (*Chen & Jing, 2012*). از طرفی فرد در جامعه هویت مشخصی پیدا می‌کند و تحت تأثیر ارزش‌های فرهنگی آن جامعه قرار می‌گیرد. تریاندیس، فردگرایی را در دو بعد افقی و عمودی تعریف می‌کند. فردگرایی افقی به نوعی از فردگرایی گفته می‌شود که هویت فردی در آن اهمیت دارد، ولی افراد دارای وابستگی متقابل به یکدیگر هستند و خود را دارای پایگاه مشابه می‌دانند. همچنین احترام به استقلال هویتی و شخصیتی خود و احترام به همنوعان از دیگر ویژگی‌های فردگرایی افقی است و به تعبیر دیگر فردیت افراد در عرض هم و در تعامل با هم معنا می‌یابد (*Hosseinzadeh & et. al, 2013: 41*). در فردگرایی عمودی تأکید بر پایگاه مهم است و این کار از طریق رقابت با دیگران انجام می‌شود. این نوع از فردگرایان به مقایسه خود با دیگران اهمیت زیادی می‌دهند و تلاش می‌کنند متمایز و شایسته‌تر از دیگران باشند (*Zahabi & et. al, 2016: 127*).

Johnson (1995) جامعه‌پذیری را اینگونه تعریف می‌کند: فرآیندی که از طریق آن مردم برای مشارکت در سیستم‌های اجتماعی آماده می‌شوند (*Arena & Arrigo, 2005*). در فرآیند جامعه‌پذیری نظام شخصیت شکل می‌گیرد که جزئی از فرآیند توسعه است. از سویی شخصیت انسان امروزی ملغمه‌ای از ارزش‌های بسیار و هنجارهای ناهمخوان است (*Abdollahpour, 2022*). به اعتقاد گیدنز (۱۳۸۲)، مدارس نیز در فرایند اجتماعی‌شدن نقش دارند. در کنار برنامه آموزشی رسمی، برنامه آموزشی پنهان یادگیری دانش‌آموزان را مشروط می‌کند. در مدارس از کودکان انتظار می‌رود به موقع در کلاس حاضر و آرام باشند، مقررات انضباطی مدرسه را بپذیرند و نسبت به آن پاسخگو باشند. عکس‌العمل‌های معلمان

[1] individualism
[2] self-dependence/reliance

نیز بر انتظاراتی که کودکان از خود دارند، تأثیر می‌گذارد (*Ghorbani & jomennia, 2016: 115*). دورکیم معتقد است آموزش و پرورش ابزاری است برای نیل به انسجام اخلاقی و ساز و کاری است که از طریق آن هنجارها و ارزش‌های جامعه از نسلی به نسل بعد منتقل می‌شود (*Sharepour, 2015: 16*). بنابراین، نقش آموزش و پرورش در متناسب کردن فرد با جامعه خود از طریق فرآیند اجتماعی‌شدن صورت می‌گیرد (*Ibid:23*). به اعتقاد پارسونز اهداف مدرسه عبارتند از آماده ساختن دانش‌آموزان برای به عهده گرفتن نقش‌های بزرگسالی در جامعه از طریق اجتماعی‌کردن آن‌ها با ارزش‌های جامعه و آموختن مهارت‌های لازم برای اجرای این نقش‌ها جهت زندگی در یک جامعه پیچیده (*Ibid:183*).

سلیقه‌ها و منافع فردی در دوراهی‌های زندگی (*Masihi & et. al, 2020: 244*) و تحصیلات به‌عنوان یکی از ابعاد نوسازی (*Vejdani & et. al, 2020: 130*) قرار گرفتن نوجوان در دوران حساس سنی به همراه تغییرات در ابعاد مختلف فردی او و ویژگی‌های شخصی مانند تمایزطلبی و همچنین غلبه ارزش‌های فردگرایانه در جامعه (*Afrasiabi & Rzaei Sadrabadi, 2024: 21*) سبب می‌شود ارزش‌های فردمحور افزایش یافته و به دنبال آن مدارس نیز با افزایش فردگرایی مواجه شوند. می‌توان گفت نهاد مدرسه در شکل‌گیری رفتار و تمایلات ارزشی دانش‌آموزان اهمیت بسزایی دارد. از سویی در سنین نوجوانی فرد مایل است استقلال بیشتری داشته باشد و تصمیماتی درباره برخی ارزش‌ها و روش‌های رفتاری خود بگیرد (*Soroush, 2012: 195*)؛ بنابراین، دختران دبیرستانی همزمان با رشد علمی به لحاظ فرهنگی نیز تغییرات چشمگیری از نظر ارزش‌های نوگرایی پیدا می‌کنند. تحقیقات انجام شده در کشور (*Razini & et. al, 2025; Rohani Ghoochani, 2013; Babaeifard & Barani, 2018; Zahabi & et. al, 2016;* و ...)؛ حاکی از افزایش فردگرایی و تأثیر عوامل اجتماعی بر فردگرایی است. شیراز یکی از کلان‌شهرهای کشور است که به دلیل مرکزیت استان و همچنین وسعت جغرافیایی و مهاجرپذیری از شهرهای دیگر استان با تنوع فرهنگی بالا، تغییرات هنجاری و ارزشی در رفتارهای شهروندان برخوردار است. افراد کمتر یکدیگر را می‌شناسند و چه بسا افراد در یک آپارتمان به ندرت همدیگر را ببینند و بشناسند. بنابراین این روند افزایش فردگرایی را نشان می‌دهد. سروش و افراسیابی (۱۳۹۸)، این نتیجه را از تحقیق خود در شیراز احصاء کردند که ورود ارزش‌های فردگرایانه و آزادی‌خواهانه در متن زندگی، سیاست‌های آموزش و پرورش و روش‌های جدید آموزشی در مدارس، موجب شده کلاس‌ها و مدارس دارای جو بازتری بوده و تغییر نقش سنتی زنان و مشارکت بیشتر آن‌ها در تصمیم‌گیری سبب شده فضای خانواده از اقتدارطلبی خارج شده و

نسل جوان، سبک تربیتی دموکراتیک‌تری را تجربه کنند.

آموزش و پرورش در جوامع گوناگون مسئولیت انتقال هنجارها و نگرش‌های معینی به فراگیران را بر عهده دارد. دانش‌آموزان طی دوره نسبتاً طولانی حضور در مدرسه، در معرض انواع برنامه‌ها و محتوای آشکار و پنهان نظام آموزشی قرار می‌گیرند (*Sanatkar & Ganji, 2025:150*).

محمدی و همکاران (۱۴۰۳)، نیز نشان دادند که تحصیلات بالاتر سبب تقویت و رشد استقلال فکری شود (*Mohammadi & et. al, 2024:143-168*).

تحقیق خواجه‌نوری و همکاران (۱۳۹۲)، در شیراز نشان داد که جوانان هر چه بیشتر از فناوری‌های نوین اطلاعاتی استفاده کنند مستقل‌تر و به دنبال آن فردگراتر می‌شوند. مسیحی و همکاران (۱۳۹۹)، در تحقیقشان نشان دادند که فناوری‌های ارتباطی و مقطع تحصیلات نشان‌دهنده فردگرایی شهروندان است و سبک زندگی در کلان‌شهرها مانند شیراز به سویی رفته که ابعاد فردگرایی تقویت شده است. همچنین پژوهش‌های دیگری در شیراز انجام شده (*Khajeh Nouri, Parnian & Jafari, 2013*؛ *Askari, gahanbakhsh & Mohamadi, 2020*؛ *Ghaderi & Alghouneh, 2017*) سطح بالای ارزش‌های فردگرایی شهروندان را نشان می‌دهد. در محیط‌های آموزشی آنچه اهمیت دارد، رقابت برای دستیابی به موفقیت بیشتر است. این امر، به سمت رقابت بر سر موفقیت فردی سوق پیدا کرده است، به‌طوری که تأکید والدین تحصیل‌کرده بر رقابت فرزندان بیش از تعامل اجتماعی آنان بوده است (*Ghaderi & Alghouneh, 2017: 28*). این مسئله در پیامدهای فردگرایی، اهمیت تبیین رابطه آن با جامعه‌پذیری تحصیلی را دوچندان می‌سازد؛ چرا که اگر فرآیند مدرسه موجب تقویت فردگرایی افقی شود، می‌تواند به افزایش مشارکت و کار گروهی (سویه‌های مثبت) منجر شده و به تربیت شهروندانی فعال کمک کند. در مقابل، تداوم تأکید بر رقابت، ممکن است به متمایز و برتر بودن خود از دیگران (سویه‌های منفی) دامن زده و انسجام اجتماعی را به چالش بکشد. با توجه به اینکه خرده‌نهاد مدرسه تحت تأثیر تغییرات و نفوذ ارزش‌های فرهنگی و جهانی بوده و به دلیل ویژگی جامعه‌پذیری، یکی از مؤلفه‌های اثرگذار بر فردگرایی دانش‌آموزان است. بنابراین، با در نظر گرفتن نقش خرده‌نهاد مدرسه در شکل‌گیری ارزش‌ها، ضروری است که رابطه جامعه‌پذیری تحصیلی با هر دو بُعد فردگرایی در میان دانش‌آموزان دختر دبیرستانی شیراز مورد سنجش قرار گیرد تا بتوان سیاست‌های آموزشی را در جهت تقویت پیامدهای مثبت و کاهش پیامدهای منفی این ارزش‌های مدرن تنظیم نمود. از آنجا که تحقیقات پیشین در این شهر بیشتر در حوزه خانواده و دانشگاه بوده و بین نوجوانان و

به‌ویژه در بین دانش‌آموزان شیراز مطالعه اندکی در زمینه فردگرایی و تأثیر جامعه‌پذیری تحصیلی بر آن انجام شده است، این پژوهش به دنبال این است که جامعه‌پذیری تحصیلی را بر فردگرایی دختران در سنین نوجوانی بسنجد. بنابراین به دنبال تبیین رابطه بین جامعه‌پذیری تحصیلی و فردگرایی و پی بردن به رابطه جامعه‌پذیری تحصیلی و ابعاد فردگرایی در دانش‌آموزان دختر متوسطه دوم شیراز است. پژوهش حاضر به بررسی رابطه جامعه‌پذیری تحصیلی و ابعاد افقی و عمودی فردگرایی در دانش‌آموزان دختر متوسطه دوم شهر شیراز می‌پردازد. این پژوهش می‌تواند شناخت بهتری در شیوه رفتار با دانش‌آموزان به دبیران بدهد تا با استفاده صحیح از پتانسیل‌های دانش‌آموزان در جهت رشد علمی و شخصیتی‌شان بکوشند. از این‌رو مقاله حاضر به دنبال پاسخ این سؤالات است رابطه بین جامعه‌پذیری تحصیلی و فردگرایی چگونه است؟ و چه رابطه‌ای بین جامعه‌پذیری تحصیلی و ابعاد فردگرایی وجود دارد؟

چارچوب نظری پژوهش

Triandis یکی از نظریه‌پردازانی است که بیشتر فعالیت‌های خود را به مطالعه فرهنگ‌های جمع‌گرا و فردگرا معطوف کرده است. تریاندیس (۱۹۹۶، ۱۹۹۸)، فردگرایی و جمع‌گرایی را به مثابه اجزای فرهنگ ذهنی و از انواع نشانگان فرهنگی مطرح می‌کند. وی فردگرایی و جمع‌گرایی را در دو بعد فرهنگ و فرد بررسی کرده و در هر دو سطح به تعاریف مفهومی سازه‌ها می‌پردازد. او فردگرایی و جمع‌گرایی را در سطح تحلیل فرهنگ، سازه‌های دو قطبی و در سطح تحلیل فردی، سازه‌های چند وجهی و متعامد معرفی می‌کند (*Kabiri, 2007*). جامعه‌پذیری را می‌توان هم به‌عنوان مقدم و هم پیامد فردگرایی در نظر گرفت. فردگرایان فرزندان خود را به گونه‌ای تربیت می‌کنند که متکی به خود و مستقل باشند، اما خوداتکایی و استقلال نیز فردگرایی را ایجاد می‌کند. در میان پیامدها، مهم‌ترین آن‌ها رفتار اجتماعی است. از آنجایی که فردگرایان باید در بسیاری از گروه‌ها وارد شوند و از آن خارج شوند، مهارت‌های فوق‌العاده‌ای برای تعاملات سطحی ایجاد می‌کنند، اما مهارت‌های خیلی خوبی برای رفتارهای صمیمی ندارند (*Triandis, MaHarry Howe, 1990*). به نظر او الگوهای جامعه‌پذیری که در فرهنگ فردگرایانه یافت می‌شوند بر استقلال، اتکا به خود، خلاقیت و پذیرش نافرمانی تأکید می‌کنند. در فرهنگ‌های فردگرا افراد در ورود به گروه بسیار خوب هستند، اما روابط عمیق و پایدار با دیگران با فرکانس‌های مشابه جمع‌گرایان ایجاد نمی‌کنند (*Triandis, 1993*). به‌عبارتی، افراد در فرهنگ‌های فردگرا در ملاقات با افراد

خارجی، تشکیل گروه‌های داخلی جدید و کنار آمدن با افراد جدید بسیار خوب هستند (*Triandis, 1988*). در جوامع فردگرا، مردم مستقل از درون‌گروه‌های خود هستند. آن‌ها به اهداف شخصی خود بر اهداف درون‌گروهی خود اولویت می‌دهند، آن‌ها عمدتاً بر اساس نگرش‌های خود رفتار می‌کنند تا هنجارهای درون‌گروهی خود و نظریه مبادله به اندازه کافی رفتار اجتماعی آن‌ها را پیش‌بینی می‌کند. البته نباید تصور کرد که همه افراد در فرهنگ‌های فردگرا، همه ویژگی‌های این فرهنگ‌ها را دارند و هر فردی در فرهنگ‌های جمع‌گرا، ویژگی‌های آن فرهنگ‌ها را دارد. در فرهنگ‌های فردگرا، تربیت کودک بر استقلال، کاوش، خلاقیت و اتکا به خود تأکید دارد (*Triandis, 2001*). در فرهنگ‌های جمع‌گرایانه معمولاً بیشتر بر افراد تأکید می‌شود تا تکلیف و عکس این امر در فرهنگ‌های فردگرا اتفاق می‌افتد: برای مثال، هنگام ملاقات با یک دوست در راه کار، افراد در یک فرهنگ جمع‌گرایانه می‌ایستند و گپ می‌زنند، در حالی که افراد در فرهنگ فردگرایانه ممکن است خود را معذور کنند یا از ملاقات اجتناب کنند. روابط اجتماعی بادوام‌تر و غیر ارادی‌تر در گروه‌های بزرگ در فرهنگ‌های جمع‌گرایانه رخ می‌دهد. روابط فردگرایان بیشتر موقتی و داوطلبانه هستند و در گروه‌های کوچک رخ می‌دهند (*Triandis, 1988*).

فردگرایی با جدایی عاطفی توصیف می‌شود. تخصیص‌گرایی با وابستگی متقابل و جامعه‌پذیری و خودمحوری با اتکا به خود به بهترین وجه توصیف می‌شود. از لحاظ نظری، می‌توان افراد را با استفاده از طرح‌های چندبعدی طبقه‌بندی کرد که بر اساس شباهت در الگوهای داشتن یا نداشتن ویژگی‌های خاص است. این بدان معناست که علاوه بر «جمع‌گرایی ناب»، انواع میانی و نیز انواعی با هر دو ویژگی‌های فردگرا و جمع‌گرایانه بخش زیر ویژگی‌های انواع محض جمع‌گرای ـ فردگرا را ارائه می‌کند. در فرهنگ‌های جمع‌گرا، رفتار عمدتاً توسط هنجارهای درون‌گروهی تنظیم می‌شود. در فرهنگ‌های فردگرا، این امر عمدتاً توسط علایق و ناپسندهای فردی و تحلیل‌های هزینه ـ فایده تنظیم می‌شود. بنابراین، هنجارها در فرهنگ‌های جمع‌گرایانه، تعیین‌کننده‌های مهم‌تر رفتار اجتماعی هستند و در فرهنگ‌های فردگرا، نگرش‌ها اهمیت بیشتری دارند. سرنوشت شخصی، موفقیت شخصی و استقلال از درون گروه در فرهنگ‌های فردگرا مورد تأکید قرار گرفته است. «خود» به‌عنوان ضمیمه‌ای از درون‌گروه در فرهنگ‌های جمع‌گرا و به‌عنوان موجودی مجزا و متمایز در فرهنگ‌های فردگرا تعریف می‌شود. رفتار در فرهنگ‌های فردگرا به ندرت تحت تأثیر درون‌گروه‌ها قرار می‌گیرد، زیرا گروه‌های درون‌گروهی بسیار زیاد هستند و اغلب خواسته‌های متناقضی را مطرح می‌کنند. فرد تصمیم می‌گیرد که به کدام گروه توجه کند و گروه‌های درون گروهی را «انتخاب

می‌کند» و در صورت امکان گروه‌های داخلی جدید تشکیل می‌دهد. روابط اجتماعی با قدرت ناهمسان در فرهنگ‌های جمع‌گرا بیشتر از فرهنگ‌های فردگرا رایج است. در فرهنگ‌های فردگرا، جدایی عاطفی، استقلال و حریم خصوصی برای کودک وجود دارد (*Triandis, 1988*).

پیشینه پژوهش

الف) تحقیقات داخلی

رئیسی (۱۴۰۴)، در تحقیقی تحت عنوان « بررسی عوامل مؤثر بر هویت‌جویی دختران جوان (مورد مطالعه: شهر رشت)» نشان داد با گسترش دامنه روابط اجتماعی افراد، هویت‌های فرهنگی، ملی و دینی جوانان نیز در معرض دستخوش تحول و تغییر قرار می‌گیرند (*Rseisi, 2025:282*).

رضیئی و همکاران (۱۴۰۳)، پژوهشی با عنوان «تحلیل سبک زندگی زنان نسل وای فای شهر تهران» انجام دادند. روش کیفی و با استفاده از نظریه داده‌بنیاد انجام شد. یافته‌ها نشان داد در این پژوهش خودارتقایی فردگرایانه یکی از راهبردهای رسیدن زنان به سبک دلخواه زندگی بود. سبک زندگی فردگرایانه به‌عنوان یکی از سه سبک فردگرایانه، مصرف‌گرایانه و مذهبی است که پوشش ترجیحی با انتخاب خودشان بوده و تلاش در دنبال کردن سلیقه و انتخاب خود، علی‌رغم محدودیت‌ها و ساختارهای حاکم بر جامعه دارند. زنان در سبک زندگی فردگرایانه خود، به دنبال شکوفاکردن خود و افزایش مهارت‌های زندگی و تحصیلی هستند. وضع سبک زندگی زنان نسل وای فای هم‌اکنون، یک سبک زندگی نیمه سنتی است که در آن بخشی از عناصر سبک زندگی مدرن به چشم می‌خورد و بخشی از عناصر سبک زندگی سنتی و مذهبی (*Raziei & et. al, 2014*).

کریمی و جانعلی‌زاده (۱۴۰۲)، پژوهشی با عنوان «تأثیر ارزش‌های فرهنگی بر گرایش به رفتارهای نوع‌دوستانه دانش‌آموزان متوسطه شهرستان جویبار» انجام دادند. آن‌ها با استفاده از روش کمی به این نتایج رسیدند که رفتارهای مبتنی بر خودشیفتگی به دلایل مختلفی در حال افزایش است که با شناخت متغیرهای مؤثر بر نوع‌دوستی و برنامه‌ریزی جامعه‌شناختی می‌توان سبب کاهش آسیب‌پذیری جوامع شد. در جامعه‌پذیری دانش‌آموزان دو نهاد خانواده و آموزش و پرورش بر گرایش به ارزش‌های فرهنگی و رفتارهای نوع‌دوستانه اثر دارند. ارزش‌های فرهنگی دو قطب متضاد نیست و جامعه تحقیق دارای ارزش‌های فرهنگی فردگرایانه و جمع‌گرایانه با افزایش نسبی فردگرایی است. ارزش‌های فرهنگی جمع‌گرایانه بر گرایش به

رفتارهای نوع‌دوستانه و ابعاد رفتارهای نوع‌دوستانه (متابعت‌آمیز، موقعیت بحرانی، هیجانی و ناشناس) این دانش‌آموزان تأثیر مثبت دارد (*Karimi & Janalizadeh, 2013*).

افراسیابی و رضایی صدرآبادی (۱۴۰۲)، پژوهشی با عنوان «برساخت فرازمینه‌ای فردیت: تفسیر دختران نوجوان از موفقیت» در شهر یزد انجام دادند. با استفاده از نظریه داده‌بنیاد نظام‌مند به نتایج نشان داد که مقوله‌های اصلی عطش استقلال، زیست مجازی، محوریت پول، احساس محدودیت جنسیتی، تعامل ابزاری، تمایزطلبی، خودارتقابخشی، فشارهای چندگانه و ذهن مهاجر بوده و برساخت فرازمینه‌ای فردیت، به‌عنوان مقوله مرکزی ساختند. نوجوانان الگوها و سبک زندگی مادی و مصرف‌محور را در فضای مجازی مشاهده و دریافت می‌کنند. تمایل زیادی به داشتن استقلال دارد تا بتواند آزادانه به ابراز فردیت مدنظر خود برسد. تمایل نوجوانان دختر در دستیابی به موفقیتی است که جنبه‌ای فردی و مادی دارد و به دنبال حداکثر ابراز خود در جنبه‌های مختلف و حداکثر رفع نیازمندی‌های مادی در ابعاد گوناگون‌اند. خرید و پول برای آن‌ها یکی از ابزارهای نمایش هویت است (*Afrasiabi & Rezaei Sadrabadi, 2023*).

مسیحی و همکاران (۱۳۹۹)، پژوهشی با عنوان «تحلیل جامعه‌شناختی فردگرایی در بین زنان و مردان و عوامل مرتبط با آن (مطالعه موردی: افراد ۳۰ سال به بالای شهر شیراز)» انجام دادند. با استفاده از روش کیفی و نظریه داده‌بنیاد به نتایج نشان داد افرادی که در مقاطع تحصیلی بالاتری هستند، فردگرایی بالاتری نیز داشته‌اند. افرادی که استفاده پایین‌تری از رسانه‌های ارتباط جمعی داشته‌اند، فردگرایی بالاتری دارند. هر چه درآمد ماهیانه خانواده و اعتقادات مذهبی افراد بالاتر باشد فردگرایی کاهش می‌یابد (جمع‌گراتر می‌شوند) (*Masihi & et. al, 2010*).

عسکری و همکاران (۱۳۹۹)، پژوهشی با عنوان «سبک زندگی و فردگرایی زنان در شیراز» انجام دادند. با استفاده از روش کمی و نظریه فردگرایی تریاندیس نتایج نشان داد که بین متغیرهای دینداری، رضایت از زندگی، سبک زندگی و فردگرایی در شیراز رابطه منفی و معکوس وجود دارد؛ در حالی که متغیرهای گسترش مدرنیته، تغییرات ساختاری خانواده، سرمایه اجتماعی، استفاده از رسانه، گسترش فرهنگ آوارتاها و نگرش فمینیستی با درجه فردگرایی زنان شیرازی همبستگی مثبت دارند. رضایت از زندگی بیشترین تأثیر را بر فردگرایی داشته است. گسترش مدرنیته از طریق سبک زندگی و تغییرات ساختاری خانواده بر فردگرایی زنان تأثیر می‌گذارد. بین میانگین فردگرایی زنان و پایگاه اقتصادی‌اجتماعی آن‌ها تفاوت معنی‌داری وجود نداشت (*Askari & et. al, 2020*).

ذهبی و همکاران (۱۳۹۵)، پژوهشی با عنوان «بررسی رابطه بین جهان ـ محلی شدن با فردگرایی و جمع‌گرایی (مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه یزد)» انجام دادند. با استفاده از روش کمی و نظریه فردگرایی تریاندیس نتایج نشان دادند که بین جنس، وضعیت تأهل و میزان تحصیلات با فردگرایی و جمع‌گرایی رابطه معناداری وجود ندارد. همچنین بین جهان ـ محلی شدن با فردگرایی رابطه معناداری مشاهده شد. همچنین میان متغیر جمع‌گرایی با جهان ـ محلی شدن نیز رابطه معناداری وجود دارد. با افزایش سطح تطبیق با روند جهانی شدن، فردگرایی افقی و عمودی پاسخگویان نیز بیشتر می‌شود. به‌طور کلی می‌توان گفت بین شاخص جهان ـ محلی شدن با ابعاد فردگرایی افقی و عمودی و همچنین شاخص فردگرایی رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. در بین ابعاد جهان ـ محلی‌شدن، بعد انطباق با روند جهانی‌شدن، بهترین همبستگی را با ابعاد فردگرایی دارد. با افزایش روند انطباق پاسخگویان با جهانی‌شدن، میزان فردگرایی آن‌ها نیز بیشتر می‌شود (*Zahabi & et. al, 2016*).

ب) تحقیقات خارجی

Johnson & et. al (2023) تحقیقی تحت عنوان «فرهنگ در مدرسه به کجا تعلق دارد؟ بررسی نقش فردگرایی و فاصله قدرت درتعلق مدرسه به فرهنگ‌ها» انجام دادند. نتایج نشان داد در فردگرایی فاصله قدرت تأثیر کلی منفی بر تعلق به مدرسه دارند. کشورهایی که به‌طور متوسط فردگرایی کمتر و فاصله قدرت کمتری دارند، دانش‌آموزانی دارند که سطوح بالاتری از تعلق به مدرسه را تجربه می‌کنند. حمایت معلم، علاقه معلم و همکاری، با تعلق به مدرسه همبستگی مثبت دارد. در حالی که قرار گرفتن در معرض قلدری و درگیری والدین با تعلق مدرسه همبستگی منفی دارد. بنابراین تعلق مدرسه از نظر فردگرایی و فاصله قدرت، تحت تأثیر عوامل متعدد دانش‌آموز و مدرسه از نظر فرهنگی متفاوت است. بین فردگرایی با حمایت معلم رابطه منفی دارد. عوامل در سطح دانش‌آموز و مدرسه، یعنی قلدری، علاقه معلم، همکاری، مشارکت والدین و جو انضباطی با تعلق مدرسه در سطح کشور مرتبط هستند. این عوامل پیوند فرهنگ و مدرسه را از نظر تعلق شکل می‌دهند. یک تعامل پیچیده بین عوامل سطح مدرسه و سطح کشور از نظر تعلق وجود دارد.

Lee & et. al (2021) در مقاله‌ای تحت عنوان «نقش‌های انگیزش مستقل، فردگرایی و حمایت مربی در یادگیری دانش‌آموز محور در کره جنوبی و آمریکا» برای پاسخ به این سؤال که چگونه ویژگی‌های دانشجویان از جمله فردگرایی و انگیزه مستقل و خودمختار و همچنین حمایت معلم از خودمحوری دانش‌آموزان با تعامل مرتبط است؟ انجام دادند. دانش‌آموزان

ایالات متحده در سال‌های تحصیلی بالاتر بودند. متغیرهای مستقل شامل حمایت معلم، فردگرایی، انگیزه خودمحور، سن و جنسیت بودند. نتایج نشان داد: تعهد، حمایت معلم، فردگرایی و انگیزه خودمحور هر کدام به‌طور شایان توجهی در دو کشور متفاوت بودند. معلمان نقش مهمی در تسهیل مشارکت دانش‌آموزان با یادگیری دانش‌آموزمحور بدون توجه به زمینه فرهنگی دارند.

Cortina & et. al (2017) تحقیقی تحت عنوان «تعلق مدرسه به فرهنگ‌های مختلف: اثرات فردگرایی و فاصله قدرت» انجام دادند. نتایج نشان داد که دانش‌آموزانی که در فرهنگ‌هایی با درجه فاصله قدرت بالا زندگی می‌کنند (به‌ویژه کشورهای آسیای شرقی در این مجموعه داده‌ها) نسبت به دانش‌آموزانی که در فرهنگ‌هایی با روابط قدرت جانبی بیشتری زندگی می‌کنند (کشورهای غربی) تعلق کمتری به مدرسه گزارش می‌دهند. برجسته‌ترین گروه درون‌گروهی دانش‌آموزان در واقع خانواده است و نه همسالان. دانش‌آموزان شرقی تأیید خانواده برایشان اهمیت بیشتری دارد. همچنین تفاوت در فاصله قدرت به‌عنوان یک هنجار فرهنگی در توضیح تفاوت‌های بین‌المللی در تعلق به مدرسه بهتر از تمایز بین هنجارهای فردگرایانه و جمع‌گرایانه حاکم بر گفتمان در تحقیقات آموزشی تطبیقی است. این مطالعه نشان داد که یک ارتباط نسبتاً جهانی بین تعلق به مدرسه و درک دانش‌آموز وجود دارد.

Trumbull & et. al (2011) پژوهشی با عنوان «تقاطع فرهنگ و انگیزه پیشرفت» انجام دادند. این مطالعه توسط چهار محقق انجام شد. شرکت‌کنندگان هفت معلم ابتدایی دو زبانه اسپانیایی/انگلیسی از لس‌آنجلس، داوطلبانه شرکت کردند. ارزش‌های فرهنگی به‌عنوان یکی از منابع تفاوت در انگیزه پیشرفت اجتماعی در نظر گرفته شده است. چهار نفر انگلیسی تبار بودند و سه نفر آمریکایی اروپایی بودند. کلاس‌های مهدکودک تا پنجم نماینده داشتند. معلمان با تجربه ۵ تا ۲۱ سال بودند. نتایج نشان داد معلمان از جهت‌گیری فردگرایانه بسیار قوی در پیش ارزیابی، به سمت بسیار جمع‌گرایانه‌تر یا متعادل‌تر از دیدگاه فردگرایانه و جمعی رفتند. ارزش‌های فرهنگی بر اهداف اجتماعی و تحصیلی دانش‌آموزان تأثیر می‌گذارد. فرهنگ‌هایی که فرزندانشان را اجتماعی می‌کنند تا تأکید نسبتاً بیشتری بر گروه نسبت به فرد داشته باشند، معمولاً مفاهیمی از موفقیت دارند که ابعاد اجتماعی و اخلاقی را با ابعاد شناختی و تحصیلی رشد ادغام می‌کند. شیوه‌های مدارس تمایل به انعکاس فردگرایی فرهنگ غالب ایالات متحده دارند. بسیاری از دانش‌آموزان از خانواده‌هایی هستند که بیشتر جمع‌گرا هستند.

Cho & et.al (2010) پژوهشی با عنوان «جمع‌گرایی و فردگرایی به‌عنوان ارزش‌های دو فرهنگی: سازگاری دانشجویان کارشناسی کره جنوبی با کالج» انجام دادند. نتایج نشان داد که مردان در ارزش‌های فرهنگی فردی و جمعی به‌طور معناداری بالاتر از زنان بودند. دانشجویان هر منطقه سازگاری یکسانی با ارزش‌های جمع‌گرایانه دانشگاه داشتند؛ اما سطوح باورهای فرهنگی فردگرا بر اساس منطقه متفاوت بود. دانشجویان کره‌ای ممکن است رویه فرهنگی فردگرایانه را توسعه داده باشند که نسبتاً به راحتی تغییر می‌کند، در حالی که ارزش‌های فرهنگی جمعی خود را که از درونی‌کردن ارزش‌های فرهنگی والدین در سنین پایین شکل گرفته است، حفظ می‌کنند. دانشجویان پسر که فردگرا بودند، عزت نفس بیشتری داشتند. دانشجویان دختر روستایی در سازگاری با دانشگاه مشکلات بیشتری داشتند. هم ارزش‌های جمع‌گرایانه و هم ارزش‌های فردگرایانه برای دانشجویان کره جنوبی برای ادامه روابط هماهنگ با خانواده‌شان و همچنین سازگاری با محیط جدید کالج لازم بود.

Darmanegara Liem & et.al (2008) تحقیقی تحت عنوان «ارزش‌ها، اهداف پیشرفت و انگیزه‌های موفقیت فردمحور و اجتماعی در میان چینی‌ها و دانش‌آموزان دبیرستانی اندونزیایی» انجام دادند. یافته‌ها نشان داد دانش‌آموزان چینی بالاتر از دانش‌آموزان اندونزیایی در ارزش‌های خودراهبری و لذت‌گرایی، انگیزه پیشرفت فردمحور و هدف رویکرد مسلط بودند؛ در حالی که دانش‌آموزان اندونزیایی در زمینه امنیت، انطباق، سنت، جهان‌شمولی و ارزش‌های دستاورد بالاتر از نمونه چینی بود. همچنین پایبندی دانش‌آموزان به ارزش‌ها، پیش‌بینی‌کننده بارز انگیزه آنها برای موفقیت در مدرسه است. همچنین دانش‌آموزان چینی به ارزش‌های فردگرا تمایل داشت و با تأکید بر شیوه‌های تفکر خودمختار و خودمحور در مدارس مدرن چینی پرورش داده می‌شود، سازگار است. دانش‌آموزان اندونزیایی تمایل به حمایت بیشتر از ارزش‌های جمع‌گرایانه و سنتی داشتند. نتایج همچنین یک الگوی فرافرهنگی جهانی را از پیش‌بینی اندازه‌گیری‌هایی نتیجه انگیزش بر اساس ارزش‌ها نشان داد. برای چینی‌ها انگیزه پیشرفت فردمحور بود و برای اندونزیایی ارزش به‌طور مثبت انگیزه پیشرفت اجتماعی‌گرا در بین دانش‌آموزان بود. از آنجایی که دانش‌آموزان چینی برای استقلال و خودراهبری ارزش قائل بودند، احساس امنیت آن‌ها به پیگیری اهداف تحصیلی تعیین‌شده شخصی بستگی دارد. در مقابل، از آنجایی که دانش‌آموزان اندونزیایی تمایل بیشتری به پایبندی به ارزش‌هایی داشتند که بر همنوایی و با هم بودن تأکید می‌کردند، اگر بتوانند به اهداف تحصیلی تعیین شده توسط والدین یا معلمان دست یابند، احساس امنیت می‌کردند.

مرور پیشینه پژوهش‌ها بیانگر آن است که عمده مطالعات انجام شده در داخل کشور شامل جامعه آماری دانشجویان، دانش‌آموزان دوره دوم متوسطه و شهروندان در شهرهای شیراز، تهران و یزد است. به‌طور کلی پژوهش‌ها ما را به سوی عوامل مؤثر بر فردگرایی در وضعیت‌های مختلف و بین زنان و مردان سوق می‌دهند و فهم فردگرایی را در محیط‌های علمی و انگیزه‌های دانش‌آموزان و دانشجویان آسان می‌کند. روابط معلمان در شکل‌گیری ارزش‌های نوجوانان، خودارتقایی فردگرایانه یکی از راهبردهای رسیدن زنان به سبک زندگی دلخواه، دینداری، خودمداری، روابط اجتماعی، مشارکت اجتماعی، اعتماد اجتماعی، استفاده از شبکه‌های مجازی و ... را مورد کنکاش قرار می‌دهد. این تحقیقات همچنین نشان می‌دهد که فرآیند نوگرایی و الگوهای سبک زندگی فضای مجازی و تحصیلات بر افزایش فردگرایی مؤثر است. ارزش‌های فرهنگی نیز بر رفتار نوع‌دوستانه نوجوانان اثر دارد. فردگرایی با رفتارهای ناهنجار ارتباط دارد. وجه تمایز این پژوهش سنجش فردگرایی در بین مدارس دبیرستان دخترانه در شهر شیراز است که تاکنون مطالعات اندکی در این خصوص در این شهر انجام شده است.

فرضیه اصلی پژوهش

به نظر می‌رسد بین جامعه‌پذیری تحصیلی و فردگرایی دانش‌آموزان رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه‌های فرعی پژوهش

۱. به نظر می‌رسد بین جامعه‌پذیری تحصیلی و فردگرایی افقی دانش‌آموزان رابطه معناداری وجود دارد.

۲. به نظر می‌رسد بین جامعه‌پذیری تحصیلی و فردگرایی عمودی دانش‌آموزان رابطه معناداری وجود دارد.

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر با هدف بررسی جامعه‌شناختی رابطه جامعه‌پذیری تحصیلی و ابعاد فردگرایی به تحلیل تأثیر خرده نهاد مدرسه بر ارزش‌های مدرن دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه دوم شهر شیراز پرداخته است. پرسشنامه با توجه به نظریه فردگرایی تریاندیس طراحی شد. ابتدا شاخص‌های (فردگرایی افقی و عمودی) مشخص شد و سپس ابعاد هر

شاخص شامل خوداتکایی، خودباوری، خودمحوری، فاصله عاطفی، جاه‌طلبی و رقابت تعیین شد و آنگاه سؤالات طراحی شد. این پژوهش کاربردی و توصیفی ـ تبیینی است و برای رسیدن به داده‌ها از تکنیک پیمایش و ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه محقق‌ساخته بوده و در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۲ انجام شده است. پرسشنامه با سؤالات زمینه‌ای و جمعیت‌شناختی آغاز شد. مجموعه عنصرهای مورد مطالعه که از لحاظ نظری مشخص باشند یا به‌عبارت دیگر، مجموعه افراد، اشیاء یا نمودهایی را که یک یا چند صفت مشترک داشته باشند و یکجا در نظر گرفته شوند جامعه آماری می‌نامند. به بیان دیگر، مجموعه عناصری که نمونه از آن گزیده می‌شوند (*Baby, 2005: 416-417*). جامعه آماری این تحقیق کلیه دختران شاغل به تحصیلی (۱۴۰۳-۱۴۰۲)، در مدارس دولتی دخترانه شیراز است که در دوره متوسطه دوم مشغول به تحصیل می‌باشند که بر اساس آمار موجود در اداره آموزش و پرورش کل شیراز، تعداد آن‌ها برابر با ۲۵۵۱۰ نفر می‌باشد. روش نمونه‌گیری، طبقه‌بندی تصادفی بوده است. حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران و با در نظر گرفتن سطح اطمینان ۹۵درصد و خطای استاندارد ۵ درصد ۳۷۹ نفر است.

$$n=\frac{N.z^2.p.q}{d^2.(N-1)+Z^2.p.q}$$

$$\frac{۲۵۵۱۰ \cdot ۱.۹۶ \cdot ۰.۵ \cdot ۰.۵}{۰.۰۵ \cdot (۲۵۵۱۰-۱)+۰.۹۶ \cdot ۰.۵ \cdot ۰.۵} = \frac{۲۴۴۷۵.۸ \cdot ۴}{۶۴.۷۳۲۹} = ۳۷۹$$

برای پیشگیری از کمبود نمونه ناشی از پرسشنامه‌های ناقص، تعداد ۴۰۰ پرسشنامه توزیع شد که پس از حذف ۲۱ پرسشنامه مخدوش، در نهایت داده‌های ۳۷۹ پرسشنامه مورد تحلیل قرار گرفت. نهایتاً در نواحی مختلف این تعداد پرسشنامه مورد استفاده قرار گرفت: ناحیه ۱ (۸۸ نفر)، ناحیه ۲ (۹۴ نفر)، ناحیه ۳ (۹۸ نفر) و ناحیه ۴ (۹۹ نفر). واحد تحلیل در این پژوهش دانش‌آموزان دوره متوسطه دوم می‌باشند. دلیل انتخاب این بازه سنی این بود که در سنین نوجوانی و جوانی شخصیت افراد شکل می‌گیرد و در روند جامعه‌پذیری و فرهنگ‌پذیری ارزش‌ها و هنجارهای جامعه درونی می‌شود و جوانان بر پایه آن‌ها رفتار و اندیشه‌های خود را شکل می‌دهند (*Abdollahpour, 2022*). برای تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار *SPSS* استفاده شد.

تعریف نظری و عملیاتی

تعریف نظری و عملیاتی فردگرایی افقی و عمودی

فردگراها مستقل از درون‌گروه‌های خود هستند. آن‌ها به اهداف شخصی خود بر اهداف درون‌گروهی خود اولویت می‌دهند و عمدتاً بر اساس نگرش‌های خود رفتار می‌کنند تا هنجارهای درون‌گروهی خود (*Triandis, 2001*). فردگرایی افقی به نوعی از فردگرایی گفته می‌شود که هویت فردی در آن اهمیت دارد، ولی افراد دارای وابستگی متقابل به یکدیگر هستند و خود را دارای پایگاه مشابه می‌دانند. همچنین احترام به استقلال هویتی و شخصیتی خود و احترام به همنوعان از دیگر ویژگی‌های فردگرایی افقی است و به تعبیر دیگر فردیت افراد در عرض هم و در تعامل با هم معنا می‌یابد (*Hosseinzadeh & et. al, 2013: 41*). در فردگرایی عمودی تشخص پایگاهی مهم است و این کار از طریق رقابت با دیگران انجام می‌شود. این نوع از فردگرایان به مقایسه خود با دیگران اهمیت زیادی می‌دهند و تلاش می‌کنند از دیگران متمایز، بهتر و شایسته‌تر باشند. تریاندیس در فردگرایی عمودی بر عوامل چهارگانه مرتبط به هم که به منزله جنبه‌هایی که مشخصه فردگرایی هستند، تأکید می‌کند که شامل: رقابت، خودمحوری، جاه‌طلبی و فاصله عاطفی (*Zahabi & et. al, 2016: 127*). در این پژوهش از شاخص‌های فردگرایی عمودی خودمحوری، فاصله عاطفی، جاه‌طلبی و رقابت و از شاخص‌های فردگرایی افقی، خوداتکایی و خودباوری[1] مورد سنجش قرار گرفته است.

جدول ۱: فردگرایی افقی

Table 1: *Horizontal Individualism*

متغیر	ابعاد	خرده ابعاد	گویه
Variable	*Dimensions*	*Subdimensions*	*Item*
			۱- من هدف‌های زندگی‌ام را خودم تعیین می‌کنم، نه اینکه والدینم یا دیگران تعیین کنند
			۲- نسبتاً به خودم وابسته هستم تا به دیگران (*Heidary, Saroukhani, Adrisi, 2021*)
		خوداتکایی	۳- من غالباً کارهای خودم را انجام می‌دهم
			۴- وقتی اشتباهی می‌کنم دوست دارم خودم راه‌حل درست را پیدا کنم
			۵- هر اتفاقی برایم بیفتد نتیجه عمل خودم است.
فردگرایی	فردگرایی		۶- من علاقه دارم کارهایی را که خود فکر می‌کنم

[1] self-confidence

متغیر	ابعاد	خرده ابعاد	گویه
Variable	*Dimensions*	*Subdimensions*	*Item*
	افقی		درست است انجام دهم، به جای اینکه کارهایی انجام دهم که مورد تشویق دیگران است
		خودباوری	۷- اهداف مشخصی در زندگی‌ام دارم و سعی می‌کنم به آن‌ها دست پیدا کنم (*Heidary & et.al, 2021*)
			۸- برای من خیلی مهم است که خودم را بهتر و برتر از دیگران نشان دهم (میرزایی، ۱۳۸۴)
			۹- موفقیت من به خاطر توانمندی‌هایم است.
			۱۰- اینکه هویت شخصی من مستقل از دیگران باشد برای من مهم است (*Triandis & Golfand, 1998*)
			۱۱- هر موفقیتی در زندگی ناشی از کار و تلاش شخص است
			۱۲- مهم تلاش و سعی من است و نظر دیگران چندان اهمیتی ندارد

جدول ۲: فردگرایی عمودی

Table 2: *Vertical Individualism*

متغیر	ابعاد	خرده ابعاد	گویه‌ها
Variable	*Dimensions*	*Subdimensions*	*Items*
		خودمحوری	اهداف مشخصی در زندگی‌ام دارم و سعی می‌کنم به آن‌ها دست پیدا کنم
			برای من خیلی مهم است که خودم را بهتر و برتر از دیگران نشان دهم (میرزایی، ۱۳۸۴)
			موفقیت من به خاطر توانمندی‌هایم است
			اینکه هویت شخصی من مستقل از دیگران باشد برای من مهم است (*Triandis & Golfand, 1998*)
			هر موفقیتی در زندگی ناشی از کار و تلاش شخص است
			مهم تلاش و سعی من است و نظر دیگران چندان اهمیتی ندارد
		فاصله عاطفی	مهم‌ترین چیز در زندگی من این است که خودم را

متغیر	ابعاد	خرده ابعاد	گویه‌ها
Variable	*Dimensions*	*Subdimensions*	*Items*
			خوشحال کنم. تریاندیس و دیگران (۱۹۹۰)
			من از منحصر به فرد بودن و متمایز بودن از دیگران لذت می‌برم
			هر کس باید به فکر خودش باشد و نه دیگران (*Khajenouri & et. al, 2013*)
فردگرایی	فردگرایی عمودی		وظیفه من است که از خانواده‌ام مواظبت کنم تا به آنجا که حتی چیزی را که خودم می‌خواهم فدا کنم
			والدین در دوران پیری باید با فرزندانشان زندگی کنند (*Triandis, 2009*)
			وقتی با دیگران مشارکت و مکاری می‌کنم احساس خوبی دارم (*Triandis & Golfand, 1998*)
			خوشحالی من تا حد زیادی وابسته به خوشحالی اطرافیانم است (*Senjelis & et. al, 1995*)
		جاه‌طلبی	هر کس باید برای آینده‌اش، خودش تصمیم بگیرد (*Heydari & et.al, 2021*)
			برای رسیدن به موفقیت به هر قیمت تلاش می‌کنم (*Heydari & et.al, 2021*)
			هنگام تصمیم‌های مهم، خودم را در نظر می‌گیرم (*Heydari & et.al, 2021*)
			خیلی رعایت حال دیگران را نمی‌کنم بلکه آن کاری را که دوست دارم انجام می‌دهم
			ملاک اصلی انتخاب شغل برای من درآمد و منزلت اجتماعی آن است
		رقابت	بدون رقابت ممکن نیست بتوان جامعه خوبی داشت. (*Heydari & et. al, 2021*)
			وقتی دیگران کاری را بهتر از من انجام می‌دهند، احساس خوبی ندارم (*Triandis & Golfand, 1998*)
			وقتی موفق به انجام کاری می‌شوم که دیگران در انجام آن شکست خورده‌اند، احساس خوشایندی دارم

تعریف نظری و عملیاتی جامعه‌پذیری تحصیلی

در فرآیند جامعه‌پذیری ارزش‌های فرهنگی با اجتماعی شدن و تجربیات شخصی به اعضای جامعه منتقل می‌شود (*Hyun Kim & Kim, 2020*). در سنین نوجوانی و جوانی شخصیت افراد شکل می‌گیرد و در روند جامعه‌پذیری و فرهنگ‌پذیری ارزش‌ها و هنجارهای جامعه درونی می‌شود و جوانان بر پایه آن‌ها رفتار و اندیشه‌های خود را شکل می‌دهند (*Abdollahpour, 2022*). در مدرسه فرآیند جامعه‌پذیری به‌طور رسمی و با اجرای احکام خشک و غیر عاطفی همراه است. تعدد عوامل جامعه‌پذیری امروزه یک واقعیت اجتماعی است که همراه با پیچیدگی نظام اجتماع، در تقویت مشکلات رفتاری تأثیر فوق‌العاده‌ای دارد (*Zolfaghari Zafarani, 2010, 148-149*). تعریف علمیاتی جامعه‌پذیری تحصیلی در زیر آمده است.

جدول ۳: گویه‌های تحقیق

Table 3: *Research Items*

متغیر	گویه‌ها
جامعه‌پذیری تحصیلی	خانواده من بیشتر در پی ادامه تحصیل فرزندانشان هستند
	خانواده من بارها برای پرس‌وجوی وضعیت تحصیلی‌ام به مدرسه مراجعه کرده‌اند
	والدینم اصرار دارند که من ادامه تحصیل بدهم
	من ترجیح می‌دهم درس بخوانم
	فکر می‌کنم کسانی که ادامه تحصیل می‌دهند زندگی موفق‌تری دارند
	من از درس خواندن لذت می‌برم
	من به فکر ادامه تحصیل هستم
	دوستان من خیلی برای ادامه تحصیل مرا تشویق می‌کنند
	علاقه به دبیرانم مرا به درس خواندن علاقه‌مند کرد

روایی و پایایی

سنجه معتبر سنجه‌ای است که همان چیزی را بسنجد که مورد نظر ماست. در واقع اعتبار یا فقدان اعتبار به خود سنجه مربوط نمی‌شود؛ بلکه به کاربرد آن برای سنجش موضوع مورد بررسی برمی‌گردد (*Dowas, 1997: 63*). سنجشی دارای پایایی است که در صورت تکرار آن در مواقع دیگر به نتایج یکسان برسد. اگر مردم در مواقع مکرر به پرسش، پاسخ یکسانی بدهند آن پرسش دارای پایایی است (*Ibid: 62*). در تحقیق حاضر اعتبار صوری از طریق در اختیار قرار دادن پرسشنامه به تعدادی از صاحب نظران از جمله استاد راهنما و

مشاور و اخذ نظرات آن‌ها حاصل گردید و برای سنجش پایایی از ضریب آلفای کرونباخ متغیرها استفاده شد. پرسشنامه محقق‌ساخته و بر اساس مبنای نظری فردگرایی تریاندیس ساخته شده است.

جدول ۴: مقادیر ضریب آلفای کرونباخ

Table 4: *Cronbach's Alpha Coefficient Values*

متغیر		تعداد کل گویه‌ها	ضریب آلفای کرونباخ
Variable		*Total Number of Items*	*Cronbach's Alpha Coefficient*
فردگرایی افقی	خوداتکایی	۶	۶۶۱.
	خودباوری	۶	۶۶۷.
فردگرایی عمودی	خودمحوری	۶	۷۱.
	فاصله عاطفی	۷	۶۴۵.
	جاه‌طلبی	۵	۷۳۵.
	رقابت	۳	۶۷۲.
جامعه‌پذیری تحصیلی	جامعه‌پذیری تحصیلی	۱۰	۷۷۰.

یافته‌های پژوهش

الف) یافته‌های توصیفی

توزیع پاسخگویان بر حسب رشته تحصیلی

در جدول ۵ توزیع پاسخگویان از لحاظ رشته تحصیلی نشان داده شده است.

جدول ۵: فراوانی و درصد پاسخگویان بر حسب میزان رشته تحصیلی

Table 5: *Frequency and Percentage of Respondents by Field of Study*

رشته تحصیلی	فراوانی	درصد
Field of Study	*Frequency*	*Percentage*
ریاضی فیزیک	۲۸	۷،۴
علوم تجربی	۲۰۱	۵۳،۰
علوم انسانی	۱۵۰	۳۹،۶
جمع	۳۷۹	۱۰۰

بر اساس جدول، از بین ۳۷۹ نفری که به پرسش‌ها پاسخ دادند، ۲۸ نفر رشته ریاضی فیزیک که معادل با ۷.۴ درصد، ۲۰۱ نفر معادل ۵۳درصد رشته علوم تجربی و ۱۵۰ نفر رشته

انسانی معادل با ۳۹.۶ درصد از کل پاسخگویان است. بدین ترتیب نشان می‌دهد این تحقیق بیشتر شرکت‌کنندگان در این پژوهش دانش‌آموزان رشته علوم تجربی می‌باشند. دانش‌آموزان ریاضی به دلیل اهمیت دروس و نداشتن وقت اجازه تحقیق ندادند.

توزیع پاسخگویان بر حسب علاقه به ادامه تحصیل

توزیع پاسخگویان از لحاظ علاقه به ادامه تحصیل آن‌ها در جدول زیر بیان شده است.

جدول ۶: فراوانی و درصد پاسخگویان بر حسب علاقه به ادامه تحصیل

Table 6: *Frequency and Percentage of Respondents According to Interest in Continuing Their Education*

درصد	فراوانی	تحصیلات
Percentage	*Abundance*	*Education*
۳،۲	۱۲	دیپلم
۲۴،۸	۵۶	لیسانس
۲۵،۱	۹۵	فوق لیسانس
۵۵،۴	۲۱۰	دکترا
۱،۶	۶	بی‌پاسخ
۱۰۰	۳۷۹	جمع

طبق جدول ۶، از بین ۳۷۹ نفر پاسخگو، ۱۲ نفر برابر با ۳.۲ درصد تا دیپلم؛ ۵۶ نفر برابر با ۱۴.۸درصد علاقه داشتند تا لیسانس بخوانند؛ ۹۵ نفر معادل با ۲۵.۱ درصد تا فوق لیسانس؛ ۲۱۰ نفر برابر با ۵۵.۴ درصد علاقه داشتند تا دکترا ادامه تحصیل بدهند. این امر نشان می‌دهد اکثر دختران به تحصیلات دانشگاهی علاقه دارند و نسل آینده هدفشان رفتن به دانشگاه است و بیشتر دختران تا مقطع دکترا علاقه دارند بخوانند. این نتیجه نشان‌دهنده تمایل بسیار دختران این پژوهش به ادامه تحصیلات دانشگاهی است، به گونه‌ای که بیش از ۸۰ درصد آرزوی تحصیلی تا مقطع فوق‌لیسانس و دکترا بوده‌اند. این یافته حاکی از تغییر نگرش نسل جدید نسبت به ارزش تحصیلات بالاست. نیمی از پاسخ‌گویان (۵۵.۴٪) بالاترین سطح تحصیلی (دکترا) را به‌عنوان هدف تحصیل خود انتخاب کردند.

توزیع درصد و فراوانی پاسخگویان بر حسب متغیر جامعه‌پذیری تحصیلی

جدول ۷: توزیع پاسخگویان بر حسب متغیر جامعه‌پذیری تحصیلی

Table 7: *Distribution of Respondents According to the Educational Socialization Variable*

جامعه‌پذیری تحصیلی	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
Academic Socialization	*Frequency*	*Percentage*	*Cumulative Percentage*
خیلی کم	۳۷	۹،۸	۹،۸
کم	۶۵	۱۷،۲	۲۶،۹
متوسط	۱۶۳	۴۳،۰	۶۹،۹
زیاد	۶۷	۱۷،۷	۸۷،۶
خیلی زیاد	۴۷	۱۲،۴	۱۰۰
جمع	۳۷۹	۱۰۰	

حدود ۲۷ درصد دختران در حد کم و خیلی کم به لحاظ تحصیلی جامعه‌پذیر شده‌اند و ۴۳ درصد در حد متوسط و حدود ۳۰ درصد آن‌ها در حد زیاد و خیلی زیاد جامعه‌پذیر هستند. می‌توان نتیجه گرفت که بیشترین تعداد دانش‌آموزان تا حد متوسط به لحاظ تحصیلی جامعه‌پذیر شده‌اند.

توزیع درصد و فراوانی پاسخگویان بر حسب متغیر فردگرایی

جدول ۸: توصیف متغیر فردگرایی

Table 8: *Description of the Individualism Variable*

فردگرایی	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
Individualism	*Frequency*	*Percentage*	*Cumulative Percentage*
خیلی کم	۳۵	۹،۲	۹،۲
کم	۳۹	۱۰،۳	۱۹،۵
متوسط	۱۴۷	۳۸،۸	۵۸،۳
زیاد	۱۳۹	۳۶،۷	۹۵
خیلی زیاد	۱۹	۵،۰	۱۰۰
جمع	۳۷۹	۱۰۰	

توصیف متغیر فردگرایی را نشان می‌دهد. ۱۹،۵ درصد فردگرایی کم و خیلی کم دارند، ۱۴۷ نفر معادل تقریبا ۴۰ درصد فردگرایی متوسط و ۱۵۸ نفر برابر با ۴۱ درصد فردگرایی

زیاد و خیلی زیاد دارند. لذا بیشترین تعداد دانش‌آموزان متعلق به کسانی است که به طور متوسط فردگرا هستند.

جدول ۹: توصیف فردگرایی افقی

Table 9: *Description of Horizontal Individualism*

فردگرایی افقی	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
Horizontal Individualism	*Frequency*	*Percentage*	*Cumulative Percentage*
خیلی کم	۴۴	۱۱.۶	۱۱.۶
کم	۵۶	۱۴.۸	۲۶.۴
متوسط	۱۵۸	۴۱.۷	۶۸.۱
زیاد	۷۷	۲۰.۳	۸۸.۴
خیلی زیاد	۴۴	۱۱.۶	۱۰۰
جمع	۳۷۹	۱۰۰	-

جدول ۹ توصیف فردگرایی افقی را نشان می‌دهد. مطابق با جدول فوق، ۴.۲۶ درصد از پاسخگویان فردگرایی افقی در حد کم دارند، حدود ۴۲ درصد در حد متوسط و ۳۲ درصد هم فردگرایی افقی زیادی دارند. بنابراین بیشترین تعداد مربوط به دانش‌آموزانی است که در حد متوسط، فردگرایی افقی را دارا هستند.

جدول۱۰: توصیف فردگرایی عمودی

Table 10: *Description of Vertical Individualism*

فردگرایی عمودی	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
Vertical Individualism	*Frequency*	*Percentage*	*Cumulative Percentage*
خیلی کم	۳۶	۹.۵	۹.۵
کم	۴۸	۱۲.۷	۲۲.۲
متوسط	۶۱	۱۶.۱	۳۸.۳
زیاد	۱۵۸	۴۱.۷	۷۹.۹
خیلی زیاد	۷۶	۲۰.۱	۱۰۰
جمع	۳۷۹	۱۰۰	

داده‌ها نشان می‌دهد ۲۲.۲ درصد آن‌ها فردگرایی عمودی کم دارند، حدود ۱۶ درصد فردگرایی عمودی در حد متوسط و حدود ۶۲ درصد فردگرایی عمودی زیادی دارند. لذا می‌توان گفت اغلب دانش‌آموزان دختر دارای فردگرایی عمودی در حد بالایی می‌باشند.

در این مطالعه، از میان ۳۷۹ دانش‌آموز شرکت‌کننده، ۱۲۹ نفر (٪۳۴) ساکن مناطق شرقی شیراز بوده‌اند. پس از آن، مناطق غربی با ۷۴ نفر (٪۱۹.۵)، جنوبی با ۶۴ نفر (٪۱۶.۹)، مرکزی با ۳۹ نفر (٪۱۰)، شمالی با ۱۱ نفر تقریبا معادل با (٪۳) و حاشیه شهر با ۱۵ نفر (٪۴) قرار دارند. تمرکز قابل توجه پاسخ‌دهندگان در شرق شیراز را می‌توان به چند عامل نسبت داد: نخست تراکم بالای جمعیتی و دوم امکان جابجایی دانش‌آموزان ساکن شرق شهر به مدارس دیگر مناطق.

آزمون تفاوت میانگین‌ها

آزمون تفاوت میانگین متغیر فردگرایی افقی بر حسب رشته تحصیلی:

جدول ۱۱ آزمون تحلیل واریانس فردگرایی افقی را بر حسب رشته تحصیلی نشان می‌دهد.

جدول ۱۱: آزمون تحلیل واریانس (آنوا) فردگرایی افقی بر حسب رشته تحصیلی

Table 11: *Analysis of Variance (ANOVA) test for Horizontal Individualism by Field of Study*

متغیر	رشته تحصیلی	تعداد	میانگین	آزمون لوین *Levine Test*	آزمون آنوا *Test ANOVA*		
				سطح معنی‌داری	*F*	*df*	سطح معنی‌داری
Variable	*Field of Study*	*Number*	*Average*	*Sig.*	*F*	*df*	*Sig.*
	ریاضی فیزیک	۲۸	۴۷.۶۷				
فردگرایی افقی	علوم تجربی	۲۰۱	۴۸.۲۶	۰،۱۲۸	۱،۰۱۶	۲	۰،۶۳۶
	علوم انسانی	۱۵۰	۴۹.۰۸				

جدول ۱۱ آزمون تحلیل واریانس متغیر فردگرایی افقی بر حسب رشته تحصیلی نشان می‌دهد. بین گروه‌های رشته‌های تحصیلی نظری به لحاظ فردگرایی افقی تفاوت معناداری وجود ندارد (*Sig*=۰/۶۳۶). بنابراین فردگرایی افقی در بین دختران در رشته‌های مختلف تحصیلی تفاوت معناداری مشاهده نشد.

جدول ۱۲: آزمون تحلیل واریانس (آنوا) فردگرایی عمودی بر حسب رشته تحصیلی

Table 12: *Analysis of Variance (ANOVA) test for Vertical Individualism by Field of Study*

متغیر	رشته تحصیلی	تعداد	میانگین	آزمون لوین *Levine Test*		آزمون آنوا *Test ANOVA*	
				سطح معنی‌داری	*F*	*df*	سطح معنی‌داری
Variable	*Field of Study*	*Number*	*Average*	*Sig.*	*F*	*df*	*Sig.*
	ریاضی فیزیک	۲۸	۷۰.۴۲				
فردگرایی عمودی	علوم تجربی	۲۰۱	۶۹.۳۶	.۳۴۴	۴.۰۸۶	۲	۰۱۸،
	علوم انسانی	۱۵۰	۶۶.۲۲				

جدول ۱۲، آزمون تحلیل واریانس متغیر فردگرایی عمودی را بر حسب رشته تحصیلی نشان می‌دهد. طبق نتایج حاصل از این آزمون، فردگرایی عمودی بین دانش‌آموزان دختر در رشته‌های تحصیلی مختلف تفاوت معناداری وجود دارد (*Sig*= ۰/۰۱۸) و این بدان معناست که دانش‌آموزان رشته‌های مختلف تحصیلی به لحاظ فردگرایی منفی با یکدیگر متفاوت هستند. بین دانش‌آموزان رشته‌های ریاضی با علوم تجربی و علوم انسانی تفاوت معناداری وجود ندارد. اما بین رشته علوم تجربی و علوم انسانی تفاوت وجود دارد (*Sig*= ۰/۰۰۹) و این بدان معناست که دانش‌آموزان رشته علوم تجربی با دانش‌آموزان رشته علوم انسانی به لحاظ فردگرایی عمودی با هم متفاوت هستند. تفاوت میانگین بین این دو رشته برابر با ۳/۱۴ است.

جدول ۱۳: آزمون تعقیبی فردگرایی عمودی (منفی) بر حسب رشته تحصیلی

Table 13: *Post Hoc Test of Vertical Individualism (Negative) By Field of Study*

رشته تحصیلی	تفاوت میانگین	سطح معنی‌داری
Field of study	*Mean difference*	*Sig.*
علوم تجربی ـ علوم انسانی	۳،۱۴	۰،۰۰۹

جدول ۱۳ آزمون تفاوت میانگین فردگرایی عمودی بین دانش‌آموزان بر حسب رشته تحصیلی را نشان می‌دهد. طبق نتایج مشاهده شده دانش‌آموزان رشته علوم تجربی در مقایسه با دانش‌آموزان علوم انسانی فردگرایی عمودی بیشتری دارند و میانگین تفاوت آن‌ها برابر با ۳،۱۴ می‌باشد.

آزمون تفاوت میانگین متغیر فردگرایی بر حسب رشته تحصیلی

جدول ۱۴: آزمون تحلیل واریانس (آنوا) فردگرایی بر حسب رشته تحصیلی

Table 14: *Analysis of Variance (ANOVA) test for Individualism by Field of Study*

متغیر	رشته تحصیلی	تعداد	میانگین	آزمون لوین *Levine Test*		آزمون آنوا *ANOVA Test*	
				سطح معنی‌داری	*F*	*df*	سطح معنی‌داری
Variable	*Field of Study*	*Number*	*Average*	*Sig.*	*F*	*df*	*Sig.*
	ریاضی فیزیک	۲۸	۱۱۸.۱۰				
فردگرایی	علوم تجربی	۲۰۱	۱۱۷.۶۳	.۲۲۳	۱.۳۳۵	۲	۰،۲۶۴
	علوم انسانی	۱۵۰	۱۱۵.۳۰				

جدول ۱۴ آزمون تحلیل واریانس را بین فردگرایی و رشته‌های تحصیلی نظری دانش‌آموزان نشان می‌دهد. طبق نتایج حاصل از آزمون آنوا، بین فردگرایی و رشته‌های تحصیلی نظری این پژوهش تفاوت معناداری مشاهده نشد (*Sig*= ۰/۲۶۴).

آزمون تفاوت میانگین متغیر فردگرایی افقی بر حسب علاقه به ادامه تحصیل در آینده

جدول ۱۵: آزمون تحلیل واریانس (آنوا) متغیر فردگرایی افقی بر حسب علاقه به تحصیل در آینده

Table 15: *Analysis of Variance (ANOVA) test for Horizontal Individualism Variable In Terms of Interest In Future Education*

متغیر	علاقه به تحصیلات آینده	تعداد	میانگین	آزمون لوین *Levine Test*		آزمون آنوا *ANOVA Test*	
				سطح معنی‌داری	*F*	*df*	سطح معنی‌داری
Variable	*Interest in Future Education*	*Number*	*Average*	*Sig.*	*F*	*df*	*Sig.*
	دیپلم	۱۲	۴۴،۰۰				
فردگرایی افقی	لیسانس	۵۶	۴۶،۶۹	۰،۱۵۲	۵،۵۹۸	۴	۰،۰۰۰
	فوق لیسانس	۹۵	۴۷،۵۴				
	دکتری	۲۱۰	۴۹،۷۰				

جدول ۱۵ به بررسی آزمون آنوا بین متغیر فردگرایی افقی با تمایلات تحصیلی می‌پردازد. طبق نتایج حاصل از آزمون تفاوت میانگین، میزان فردگرایی افقی بین دانش‌آموزان بر حسب علاقه به ادامه تحصیل تفاوت معناداری وجود دارد (*Sig*= ۰/۰۰۰). به‌عبارت دیگر، از لحاظ فردگرایی افقی بین دانش آموزان دارای سطوح مختلف علاقه به ادامه تحصیل، تفاوت معناداری مشاهده شد. بین فردگرایی افقی دانش‌آموزانی که قصد ادامه تحصیل تا مقطع دکترا دارند با دیپلم تفاوت معناداری مشاهده شد (*Sig*=۰/۰۱۵). بین ادامه تحصیل تا دکترا با لیسانس‌ها هم تفاوت معناداری به لحاظ فردگرایی افقی مشاهده شد (*Sig*=۰/۰۰۰۱۰). بین ادامه تحصیل تا دکترا و فوق‌لیسانس‌ها تفاوت معناداری وجود دارد (*Sig*=۰/۰۰۳۷).

جدول ۱۶: آزمون تعقیبی فردگرایی افقی بر حسب علاقه به ادامه تحصیل در آینده

Table 16: *Post-Test of Horizontal Individualism in Terms of Interest in Continuing Education in the Future*

علاقه به ادامه تحصیل	تفاوت میانگین‌ها	سطح معنی‌داری
Interest in Continuing Education	*Difference in Means*	*Significance Level*
دیپلم ـ دکترا	-۵۰۷۰	۰۰۰۱۵
لیسانس ـ دکترا	-۳۰۰۰۳	۰۰۰۱۰
فوق لیسانس ـ دکترا	-۲۰۱۵	۰۰۰۳۷

جدول ۱۶ آزمون تعقیبی فردگرایی افقی و علاقه به ادامه تحصیل را نشان می‌دهد. این تفاوت بین پاسخ‌دهندگانی مشاهده شد که مایل به ادامه تحصیل تا مقطع دیپلم و دکترا (۰۰۰۱۵) و لیسانس و دکترا (۰۰۰۱۰) و فوق لیسانس و دکترا (۰۰۰۳۷) بودند.

آزمون تفاوت میانگین متغیر فردگرایی عمودی بر حسب علاقه به ادامه تحصیل در آینده

جدول ۱۷: آزمون تحلیل واریانس (آنوا) متغیر فردگرایی عمودی بر حسب علاقه به ادامه تحصیل در آینده

Table 17: *Analysis of Variance (ANOVA) Test for the Vertical Individualism Variable in Terms of Interest in Continuing Education in the Future*

متغیر	علاقه به تحصیلات آینده	تعداد	میانگین	آزمون لوین		آزمون آنوا	
				Levine Test		*ANOVA Test*	
				سطح معنی‌داری	*F*	*df*	سطح معنی‌داری
Variable	*Interest in Future Education*	*Number*	*Average*	*Sig.*	*F*	*df*	*Sig.*
	دیپلم	۱۲	۶۹۰۵۸				

متغیر	علاقه به تحصیلات آینده	تعداد	میانگین	آزمون لوین *Levine Test*		آزمون آنوا *ANOVA Test*	
				سطح معنی‌داری	*F*	*df*	سطح معنی‌داری
Variable	*Interest in Future Education*	*Number*	*Average*	*Sig.*	*F*	*df*	*Sig.*
فردگرایی عمودی	لیسانس	۵۶	۶۷٫۸۲	۰٫۰۲۶	۰٫۴۱۹	۴	۰٫۷۹۵
	فوق لیسانس	۹۵	۶۸٫۴۰				
	دکتری	۲۱۰	۶۸٫۲۹				

جدول ۱۷ آزمون تحلیل واریانس متغیر فردگرایی عمودی را بر حسب علاقه به ادامه تحصیلات در آینده نشان می‌دهد. طبق جدول بالا، از لحاظ میزان فردگرایی عمودی بین دختران دارای سطوح مختلف تمایل به ادامه تحصیل در آینده تفاوت معناداری وجود ندارد (*Sig*=۰/۰۷۹۵).

آزمون تفاوت میانگین متغیر فردگرایی بر حسب علاقه به ادامه تحصیل در آینده

جدول ۱۸: آزمون تحلیل واریانس (آنوا) متغیر فردگرایی بر حسب علاقه به ادامه تحصیل در آینده

Table 18: Analysis of Variance (ANOVA) Test for Individualism Variable In Terms of Interest in Continuing Education in the Future

متغیر	تحصیلات آینده	تعداد	میانگین	آزمون لوین *Levine Test*		آزمون آنوا *ANOVA Test*	
				سطح معنی‌داری	*F*	*df*	سطح معنی‌داری
Variable	*Future Education*	*Number*	*Average*	*Sig.*	*F*	*df*	*Sig.*
	دیپلم	۱۲	۱۱۳٫۵۸				
فردگرایی	لیسانس	۵۶	۱۱۴٫۵۱	۰٫۰۰۶	۱٫۱۰۰	۴	۰٫۳۵۶
	فوق لیسانس	۹۵	۱۱۵٫۹۴				
	دکتری	۲۱۰	۱۱۷٫۹۹				

جدول ۱۸ آزمون تحلیل واریانس (آنوا) فردگرایی بر حسب علاقه به ادامه تحصیل در آینده را نشان می دهد. بر اساس نتایج مشاهده شده از لحاظ میزان فردگرایی بین دختران دارای سطوح مختلف علاقه به ادامه تحصیل در آینده تفاوت معناداری وجود ندارد (*Sig*=۰/۰،۳۵۶).

تحلیل رگرسیونی

جدول ۱۹: تحلیل رگرسیون فردگرایی افقی بر اساس متغیرهای مستقل تحقیق

Table 19: *Horizontal Individualism Regression Analysis Based on Independent Research Variables*

	ضرایب استاندارد نشده		ضرایب استاندارد شده	*T*	سطح معنی‌داری
	Unstandardized Coefficients		*Standardized Coefficients*	*T*	*Sig.*
	B	خطای معیار	*Beta*		
	B		*Beta*		
مقدار ثابت	۴۹،۰۴۹	۷،۱۹۵			۰،۰۰۰
جامعه‌پذیری تحصیلی	۰،۳۳۷	۰،۰۵۰	۰،۳۲۹	۶،۷۲۶	۰،۰۰۰
درآمد خانواده	۱،۲۳۲	۰،۰۰۰	۰،۰۰۶	۰،۱۲۱	۰،۹۰۴
معدل ترم	۰،۰۴۵	۰،۱۱۷	۰،۰۱۹	۰،۳۸۹	۰،۶۹۸
سن	-۰،۷۸۳	۰،۴۰۸	-۰،۰۹۴	۱،۹۱۹-	۰،۰۵۶
ضریب همبستگی چندگانه	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده			
R	*R) (Square*	*Adjusted R) (Square*	*F*	سطح معنی‌داری	
۰،۳۴۳	۰،۱۱۷	۰،۱۰۸	۱۲،۲۶۵	۰،۰۰۰	

جدول ۱۹ مدل رگرسیونی تأثیر متغیرهای جامعه‌پذیری تحصیلی، سن، معدل ترم و درآمد خانواده را بر فردگرایی افقی نشان می‌دهد. مقدار F محاسبه شده (۱۲،۲۶۵) در سطح

معناداری (*Sig*=۰/۰۰۰۰) نشان می‌دهد که مدل رگرسیونی معنادار می‌باشد و متغیرهای مستقل توانسته‌اند تغییرات متغیر وابسته را پیش‌بینی کنند. نتایج جدول گویای آن است که ضریب همبستگی چندگانه متغیرهای مستقل و وابسته برابر با ۰،۳۴۳ است. این عدد نشان‌دهنده میزان همبستگی بین متغیرهای مستقل و وابسته است و در اینجا نشان می‌دهد که جامعه‌پذیری تحصیلی، سن، معدل ترم و درآمد خانواده به طور همزمان به میزان ۰،۳۴۳ با فردگرایی همبستگی دارند. ضریب تعیین (۰،۱۱۷) این است که حدود ۱۲ صدم درصد از تغییرات در متغیر وابسته (فردگرایی مثبت) توسط متغیرهای مستقل در این مدل رگرسیونی تبیین می‌شوند. در بین متغیرهای مستقل واردشده به مدل، جامعه‌پذیری تحصیلی (*Sig*=۰/۰۰۰) معنادار است. دیگر متغیرهای مستقل، مانند سن (*Sig*=۰/۰۵۶)، درآمد خانواده (*Sig*=۰/۹۰۴) و معدل ترم (*Sig*=۰/۶۹۸) با فردگرایی افقی رابطه معناداری را نشان نداد.

یافته‌های حاصل از آزمون رگرسیونی به منظور بررسی رابطه بین فردگرایی و متغیرهای مستقل و همچنین فردگرایی عمودی و متغیرهای مستقل نشان داد که هیچ‌کدام از این متغیرها رابطه معناداری با فردگرایی و فردگرایی عمودی ندارند. بنابراین، متغیرهای مستقل مورد بررسی، قادر به تبیین تغییرات مشاهده‌شده در سطوح فردگرایی و فردگرایی عمودی در جامعه مورد مطالعه نیستند.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه جامعه‌پذیری تحصیلی و تأثیر آن بر کنش‌های فردگرایانه دانش‌آموزان دختر دوره متوسطه دوم شهر شیراز انجام شد. این پژوهش با رویکردی جامعه‌شناختی و بر مبنای تئوری تریاندیس و نمونه‌ای متشکل از ۳۷۹ نفر از دانش‌آموزان دختر دوره متوسطه دوم شیراز، جامعه‌پذیری تحصیلی و رابطه آن بر ابعاد افقی و عمودی فردگرایی را مورد بررسی قرار داد.

یافته‌های توصیفی نشان می‌دهد که در میان ابعاد مختلف فردگرایی، فردگرایی عمودی با ۶۲ درصد بیشترین فراوانی را به خود اختصاص داده است. این یافته‌ها نشان می‌دهد که دانش‌آموزان دختر در شهر شیراز از اهداف مشخصی برخوردار بوده و توانمندی‌های خود را بالا ارزیابی می‌کنند، به استقلال فردی اهمیت می‌دهند و تمایل دارند برای آینده خود تصمیم‌گیری کنند و به دنبال برتری‌جویی هستند. در مقابل، فردگرایی افقی عمدتاً در سطح متوسط (۴۲ درصد) مشاهده شد که بیانگر حفظ روابط متعادل با همسالان در کنار این تمایلات فردگرایانه است. در خصوص تمایل به ادامه تحصیل، یافته‌ها نشان داد که اکثریت

قریب به اتفاق شرکت‌کنندگان در پژوهش، تمایل بالایی به تحصیلات دانشگاهی دارند. بیش از ۸۰ درصد از شرکت‌کنندگان در این پژوهش، تمایلات تحصیلی تا مقاطع تحصیلات تکمیلی (فوق‌لیسانس و دکترا) را در سر می‌پرورانند و نیمی از آن‌ها (۵۵ درصد) بالاترین سطح تحصیلی ممکن (دکترا) را به‌عنوان هدف نهایی تحصیل خود انتخاب کرده‌اند.

نتایج آزمون میانگین‌ها نشان داد که بین رشته‌های تحصیلی مختلف از نظر میزان فردگرایی افقی تفاوت معناداری وجود ندارد. با این حال، از نظر میزان فردگرایی عمودی، بین دانش‌آموزان رشته‌های تجربی و انسانی تفاوت معناداری مشاهده شد. به این معنا که دانش‌آموزان رشته تجربی در مقایسه با دانش‌آموزان رشته انسانی، فردگرایی عمودی بیشتری دارند و ویژگی‌هایی نظیر تمایل به تصمیم‌گیری مستقل، تعیین اهداف شخصی و برتری‌جویی را بیشتر از خود نشان می‌دهند. نکته درخور توجه دیگر این بود که تمایلات تحصیلی نقشی برجسته در تبیین فردگرایی افقی دانش‌آموزان ایفا می‌کند. به این معنی که دانش‌آموزانی که تمایل بیشتری به ادامه تحصیل در مقاطع بالاتر تا دکترا دارند از سطوح بالاتر فردگرایی افقی برخوردارند. این یافته‌ها حاکی از آن است که درک دانش‌آموزان از تصمیم‌گیری آن‌ها در خصوص مسیر تحصیلی می‌تواند بر استقلال، خوداتکایی و ارزش‌های فردی در چارچوب یک نظام آموزشی، تأثیرگذار باشد. به‌عبارت دیگر، دانش‌آموزانی که به ادامه تحصیل در تحصیلات تکمیلی تمایل دارند، به فردیت و استقلال خود اهمیت می‌دهند، تا بتوانند به اهداف شخصی و حرفه‌ای خود دست یابند.

بنا به نظر تریاندیس فردگرایی چهار ویژگی دارد. خود را مستقل می‌دانند، اهداف فردی ارحجیت بر اهداف گروهی دارد، رفتارهای اجتماعی آنان متکی بر باورها و ارزش‌های خودشان است و در روابط اجتماعی بر عقلانیت تأکید دارند. تریاندیس معتقد است که فرهنگ‌های فردگرا، افراد را کاوشگر و متکی به خود می‌داند و بر اهداف فردی به جای اهداف گروهی تأکید می‌کند. در این پژوهش نیز دانش‌آموزانی که فردگرایی افقی بالاتری داشتند، به توانایی‌ها و ظرفیت‌های خود باور داشتند، فعالیت‌های شخصی را خود انجام می‌دادند و متکی به توانایی‌های خود بودند. این یافته با دیدگاه تریاندیس همخوانی دارد که فرهنگ‌های فردگرا، افراد را تشویق می‌کنند تا اهداف شخصی خود را دنبال کنند و بر اساس نگرش‌های خود عمل کنند تا هنجارهای گروهی. در فردگرایی افقی فرد خود را مشابه افراد گروه می‌داند و در عین حال تلاش خود را برای بهتر شدن خود می‌کند و در فردگرایی عمودی برای فرد، تشخص پایگاهی مهم است و خود را متمایز و برتر از دیگران می‌داند.

نتایج این پژوهش حاکی از آن بود که رابطه معناداری بین تمایلات تحصیلی دانش‌آموزان و فردگرایی عمودی و فردگرایی مشاهده نشد. به این معنا که میزان تمایلات تحصیلی دانش‌آموزان با فردگرایی عمودی و فردگرایی (که به تمایل به رقابت، برتری و خودمحوری و فاصله عاطفی اشاره دارد) در میان دانش‌آموزان نداشت. این یافته می‌تواند به این دلیل باشد که در زمینه تحصیلی، عوامل دیگری نظیر انگیزه‌های درونی، حمایت‌های خانوادگی و فرصت‌های موجود، نقش پررنگ‌تری نسبت به رقابت و برتری‌جویی ایفا می‌کنند. در نهایت، نتایج حاصل از آزمون رگرسیون و فرضیه اصلی پژوهش بنابراین، فرضیه اول تحقیق که بین جامعه‌پذیری تحصیلی و فردگرایی افقی دانش آموزان رابطه معناداری وجود دارد، تأیید شد. به این معنا که دانش‌آموزانی که هنجارهای تحصیلی را درونی کرده‌اند، خودباورتر و متکی به خود هستند و از ویژگی‌های فردگرایی افقی بیشتری برخوردارند. این یافته با نظریه تریاندیس همسو است که خودباوری و خوداتکایی را از مؤلفه‌های اصلی فردگرایی افقی می‌داند. اما این متغیر با فردگرایی و فردگرایی عمودی رابطه معناداری را نشان نداد. به عبارت دیگر فرضیه دوم تحقیق که تأیید نشد. بنابراین، پژوهش نشان داد که جامعه‌پذیری تحصیلی با افزایش فردگرایی (به ویژه فردگرایی افقی) مرتبط است. این یافته نیز با تئوری تریاندیس سازگار است که جامعه‌پذیری را هم مقدم بر فردگرایی و هم نتیجه آن می‌داند. به این معنا که نهادهای آموزشی با انتقال ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی، می‌توانند به شکل‌گیری الگوهای فردگرایانه در دانش‌آموزان کمک کنند.

با توجه به توضیحات بالا نتایج این پژوهش با یافته‌های سایر پژوهش‌ها نیز همسو است. مطالعات متعددی نشان داده‌اند که بین فردگرایی و جامعه‌پذیری تحصیلی رابطه معناداری وجود دارد (*Konari & Heydari, 2017; Niazi & Shafaei Moghadam, 2019; Klette, 2018; Trumbull & Rothstein, 2011; KCortina& et.al, 2017, Hamamura, 2011*). فردگرایی وجهی از هویت مدرن است که به شخص اجازه خودمختار عمل‌کردن را می‌دهد و فرد در زندگی فردی و اجتماعی حق انتخاب دارد (*Najafi & et. al, 2019:3*). دیدگاه مبتنی بر فردگرایی شخص را به عنوان خود راهبر، خودمختار و جدا از دیگران ترویج می‌کند. فرهنگ‌های فردگرا استقلال و منحصر به فرد بودن را در اولویت قرار می‌دهند (*Santos & et. al, 2017*). به‌طور کلی، یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که جامعه‌پذیری تحصیلی نقش مهمی در شکل‌گیری الگوهای فردگرایانه در دانش‌آموزان دختر دوره متوسطه دوم شهر شیراز ایفا می‌کند. دانش‌آموزانی که هنجارهای تحصیلی را درونی کرده‌اند، خودباورتر و متکی به خود هستند و از ویژگی‌های فردگرایی (به‌ویژه فردگرایی افقی)

بیشتری برخوردارند. این یافته‌ها می‌تواند پیامدهای مهمی برای سیاست‌گذاری‌های آموزشی و برنامه‌های درسی داشته باشد. پیشنهاد می‌شود مطالعات آینده به بررسی عمیق‌تر عوامل مؤثر بر فردگرایی و نیز پیوند آن با موفقیت تحصیلی بپردازند.

References:

Abdollahpour, M. (2022). "Investigating social factors affecting the social identity of high school students in Minab city", Ormazd Research Journal, No. 60 (B), 103-117. (Persian).

Afrasiabi, H.; Rezaei Sadrabadi, A. (2023). "Constructing the Trans-Context of Individuality: Adolescent Girls' Interpretation of Success", Applied Sociology, Year 34, Serial Number (90), Number 2, 26-1. (Persian).

Al-Qouneh, Z.; Ghaderi, T. (2017). "A study of selfish individualism and its related factors among Shiraz University students (with emphasis on their class)", Quarterly Journal of Social Sciences, Year 26, No. 79. (Persian).

Arena, Michael P, Arrigo, Bruce A. (2005). "Social Psychology, Terrorism, and Identity: A Preliminary Re-examination of Theory", Culture, Self, and Society. 23: 485–506.

Askari, M.; Jahanbakhsh, E.; Mohammadi, A. (2020). "Lifestyle and Individualism of Women in Shiraz", Journal of the Faculty of Health and Health Research Institute, Volume 18, Issue 2, 230-216. (Persian).

Azam Azad, M.; Tavakoli, A. (2007). "Individualism, collectivism and religiosity", Quarterly Journal of the Iranian Association for Cultural and Communication Studies, Volume 3, Issue 339, 101-125. (Persian).

Babaei Fard, A.; Barani, M. (2018). "Study of factors affecting individualism among students of Kashan and Kashan Universities of Medical Sciences", Quarterly Journal of Social Development (formerly Human Development), Volume 13, Issue 4, 115-152. (Persian).

Baby, E. (2005). Research Methods in the Social Sciences. Translated by Reza Fazel; Second Edition, Published by: Organization for the Study and Compilation of University Humanities Books (SAMAT), 2002. (Persian).

Chen, F.; Jing, Y. (2012). "The impact of individualistic and collectivistic orientation on the judgment of self-presentation", European Journal of Social Psychology.

Chen, Hon-fal (2017). Parsons, Talcott, The Wiley Blackwell Encyclopedia of Social Theory. Edited by Bryan S. Turner.

Cho, Y. J.; Mallinckrodt, B.; Kyeong Yune, S. (2010). "Collectivism and Individualism as Bicultural Values: South Korean Undergraduates' Adjustment to College", Asian Journal of Counselling, Vol. 17 Nos. 1 & 2, 81-104.

Cho, Y. J.; Mallinckrodt, B.; Kyeong Yune, S. (2010). "Collectivism and Individualism as Bicultural Values: South Korean Undergraduates' Adjustment to College", Asian Journal of Counselling, Vol. 17 Nos. 1 & 2, 81-104.

Cortina, Kai S; Arel, Sari; Smith-Darden, Joanne P (2017). "School Belonging in different cultures: the effects of individualism and power distance", Frontiers in Education, Vol. 2, 1-12.

D.A. Dowas (1997). Survey in Social Research. Translated by Houshang Naebi, 1997, Tehran: Nay Publishing House. This book was published in the fourth edition of 2004. (Persian).

Darmanegara Liem, A. & Nie, Y. (2008). "Values, achievement goals, and individual-oriented and social-oriented achievement motivations among Chinese and Indonesian secondary school students", International journal of psychology, 43(5), 898-903.

Fevre, R.; Guimar~aes, I.; Zhao, W. (2020). Parents, individualism and education: three paradigms and four countries. Review of Education, 2-34.

Ghorbani, A.; Jumnia, S. (2016). "The role of social factors (family, school and peer group) in the socialization of students in Golestan province", Applied Sociology, Year 29, Consecutive Issue (70), Issue 2, 2018, pp. 113-128. (Persian).

Hosseinzadeh, A. H.; Mahmoudi, Z.; Mombini, I. (2013). "A study of some factors affecting individualistic actions", Quarterly Journal of Contemporary Sociological Research, Year 2, Issue 13, 37-52. (Persian).

Hyun Kim, S. & Sangmook K. (2020). "Social trust as an individual characteristic or societal property?", International Review of Public Administration, 1-18.

Johnson, R. G.; Allen, K. A.; Cordoba, B. G. (2023). "Where does culture belong at school? Exploring the role of individualism and power distance in school belonging across cultures", Current Psychology, 43:13492–13527.

Kabiri, K. (2007). Investigating individualism and social collectivism and its effects at the level of micro and macro analysis. Supervisor: Masoud Chalabi. Master's thesis. (Persian).

Karimi, M.; Janalizadeh, H. (2013). "The effect of cultural values on the tendency towards altruistic behaviors of high school students in Joybar city. Bi-Quarterly Journal of Socio-Economic Development Studies", Department of Social Sciences, Alzahra University, Year 1, Issue 2, 2013, 127-152. (Persian).

Kaveh Firouz, Z.; Safari Shali, R.; Khadem Hosseini, Z. (2015). "Study of students' attitudes towards single life (a gender comparison)", Quarterly Journal of Social Studies and Research in Iran, 14(2): 283-304. (Persian).

Kececi, M. (2017). "The impact of collectivism on the relationship between leadership styles and organizational citizenship behavior", Research Journal of Business and Management (RJBM), V.4, Iss.4, p.465-484.

Kenari, H.; Heidari, A. (2017). Investigating the relationship between cultural globalization and attitudes towards the structure of power distribution in the family (Case study: couples in Dogonbadan city). Master's thesis, Yasuj University. (Persian).

Khajeh Nouri, B.; Parnian, L.; Jafari, M. (2013). "Studying the relationship between cultural globalization and individualism and collectivism of youth", Case study: Shiraz city, Applied Sociology, Year 24, Issue 52, 43-66. (Persian).

Klette, K. (2018). "Individualism and collectivism in Nordic schools: A comparative approach", In Sustainable Modernity (pp. 59-78). Routledge.

Lee, E. & Baird, T. D. (2021). "Roles of Autonomous Motivation, Individualism, and Instructor Support in Student-Centered Learning in South Korea and the United States", Educational Technology International Copyright by the Korean Society for, Vol. 22, No 2, 285-309.

Masihi, M.; Mahdavi, M. S.; Kaldi, A. (2010). "Sociological analysis of individualism among women and men and its related factors (Case study: people aged 30 and above in Shiraz)", Quarterly Scientific-Research Journal of Women and Society, Year 11, Issue 3, 258-243. (Persian).

Mohammadi, S.; Rahimi, F.; Naddaf, M. & Argha, T. (2024). "Structural Analysis of Personality Traits Affecting Entrepreneurship Among Women in Khuzestan: The Moderating Role of Education Level", Quarterly Journal of Social Development (Previously Human Development), Vol. 19, No. 2, 143–168. (Persian).

Niazi, M.; Shafaei Moghadam, E. (2019). "Explaining the relationship between scientific socialization and the formation of student identity", Quarterly Journal of Research and Planning in Higher Education, Volume 25, Issue 4, 53-72. (Persian).

Peterson, M. F.; Siqueira Barreto, T. (2014). "The like it or not proposition: Implications of societal characteristics for the cultural expertise and personal values of organization members", Journal of Organizational Behavior, J. Organiz. Behav. 35, 1134–1152.

Raeisi, S. M. (2025). "Investigating Factors Affecting Identity Seeking Among Young Women (Case Study: Rasht City)", *Quarterly Journal of Social Development (Previously Human Development), Vol. 20, No. 2, 261–286. (Persian).

Rashvand Sarkhkooleh, M.; Vojdani, F. (2012). "Studying the relationship between individualism and gender equality with the value of marriage (Case study: unmarried girls aged 20 to 34 in Tehran)", Journal of Social Sciences, Faculty of Literature and Humanities, Ferdowsi University of Mashhad, Year 17, Issue 2, 125-161.

Raziei, M.; Rahman Khalili, E.; Shekarbeigi, A. (2014). Analysis of the lifestyle of women in the Wi-Fi generation in Tehran. Sociology of Culture and Art, 6(3), 146-158. (Persian).

Rouhani Ghochani, E. (2013). Investigating the effect of individualism on social harms in high school girls in Tehran. Master's thesis in Women's Studies, Al-Zahra University. (Persian).

Sanatkar, E. & Ganji, M. (2025). "The Performative School: An Analysis of the Status of the Iranian School (A Meta-synthesis of Critical School Studies)", Quarterly Journal of Social Development (Previously Human Development), Vol. 20, No. 1, 149–184. (Persian).

Santos, H. C. Varnum, Michael E. W. Grossmann, I. (2017). Global Increases in Individualism, Psychological Science 1-12.

Sharepour, M. (2015). Sociology of Education. Tehran: Organization for the Study and Compilation of Humanities Textbooks of Universities (SAMAT), Center for Research and Development of Humanities. (Persian).

Soroush, M. (2012). "Sense of personal and social responsibility, altruism and social trust: A study of Shiraz adolescents", Applied Sociology, Year 23, Serial No. (46), Number 2, 193-211. (Persian).

Triandis, H. C.; McCusker Christopher, B.; Hector, Iwao, S.; Leung, K. (1993). "Anetic-emic analysis of individualism and collectivism", Journal of cross-cultural psychology, vol 24 no, 366-383.

Triandis, H.; C. McCusker, Ch. (1990). "Multimethod Probes of Individualism and Collectivism", Journal of Personality and Social Psychology, Vol. 59, No. 5, 1006-1020.

Triandis, Harry C. (2001). "Individualism-Collectivism and Personolity", Journal of Personality 69:6, 907-924.

Triandis, Harry C. (2001). "Individualism-Collectivism and Personolity", Journal of Personality 69:6, 907-924.

Triandis, Harry C.; Bontempo, Robert; Villareal, Marcelo J. (1988). "Individualism and Collectivism: Cross-Cultural Perspectives on Self-Ingroup Relationships", Journal of Perconality and Social Psychology, Vol. 54, No. 2, 323-338.

Trumbull, E.; Rothstein-Fisch, C. (2011). "The Intersection of Culture and Achievement Motivation", The School Community Journal, 2011, Vol. 21, No. 2, 25-53.

Zahabi, A.; Alinejad, M.; Farahmand, M. (2016). "Investigating the relationship between global-localization and individualism and collectivism (case study of Yazd University students)", Intercultural Studies, Year 11, Issue 30, 119-147. (Persian).

A Sociological Examination of the Relationship between Educational Socialization and the Dimensions of Individualism: An Application of Triandis's Individualism Theory among Female Upper Secondary Students in Shiraz

Mahmoud Sharepour (Ph.D)[1], *Zohreh Akbarpour*[2]

Doi: 10.22055/QJSD.2026.51659.3195

Abstract:

The growing competition for academic achievement has reinforced individual-oriented values and challenged social cohesion within educational environments. Individualism refers to the tendency to emphasize personal identity, autonomy, and superiority over others. Drawing on Triandis's theory of individualism, this study empirically investigates the relationship between educational socialization and individualism and its dimensions. The innovative aspect of this research lies in assessing individualism among female upper secondary students in Shiraz. The statistical population consisted of all female students enrolled in upper secondary schools in Shiraz during the 2023–2024 academic years. Using stratified random sampling, a sample of 379 students was determined based on Cochran's formula, and data were collected through a researcher-designed questionnaire. To evaluate validity and reliability, face validity and the Cronbach's alpha technique were employed. Descriptive findings indicated that vertical individualism showed the highest frequency (62%) among respondents, while horizontal individualism was predominantly at a moderate level (42%). A notable finding was the strong inclination (80%) of participants to pursue higher education up to postgraduate levels. Inferential analysis revealed that students majoring in experimental sciences exhibited higher levels of vertical individualism compared to those in the humanities. Moreover, horizontal individualism was more prevalent among students aspiring to advanced academic degrees, particularly doctoral studies. Multiple regression analysis demonstrated that students who had internalized academic norms displayed higher levels of horizontal individualism. These findings are consistent with Triandis's theoretical framework, suggesting that educational socialization plays a significant role in shaping individualistic patterns among students. The results hold important implications for educational policymaking and curriculum design.

Key Concepts: *Academic Socialization, Individualism, Horizontal Individualism, Vertical Individualism, Female Students, Shiraz*

[1] Professor, Department of Social Sciences, University of Mazandaran, Mazandaran, Iran, m.sharepour@umz.ac.ir

[2] Master of Social Sciences, University of Mazandaran, Mazandaran, Iran (Corresponding Author), akbarpour9893@gmail.com

© 2019 by the authors. Licensee SCU, Ahvaz, Iran. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution-Non Commercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0 license) (http://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/).